



**الهه کولایی / نویسنده و استاد علوم سیاسی**  
**اودرباره لزوم توجه به گفت‌وگو در بسترهای آموزشی نوشته است**

**جمع خوانی**

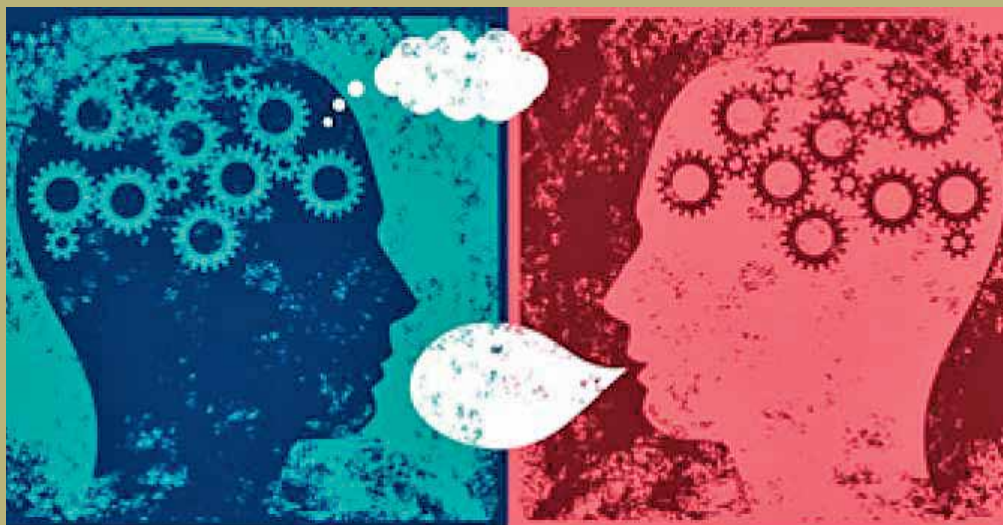
← مفهوم گفت‌وگو به یک رابطه دو طرفه برای انتقال دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرها درباره مسائل گوناگون مربوط می‌شود که باید زمینه‌های شکل‌گیری آن فراهم شود به این معنا که انتقال دیدگاه‌های متفاوت، بستری برای شکل‌گیری داشته باشند. افراد دارای حقوق برابر و آحاد انسانی برابر هستند و ظرفیت‌ها و استعدادها گوناگونی را خداوند به آنان بخشیده که می‌توانند برای تبادل آن با دیگران بویژه بر پایه توصیه‌های اسلامی اقدام و یافته‌های خود و چاره‌های مناسب را برای زندگی عمومی به منظور تبادل اندیشه‌ها پیدا کنند. در ابتدا باید یک پیشفرض در نظر گرفته شود و آن، این است که همه انسان‌ها برابر هستند و همه حقوق یکسان و برابر دارند؛ حقوقی برآمده از ذات و سرشت انسانی است که خداوند این حقوق را به همه و در نهاد همه انسان‌ها قرار داده و در واقع افراد از طریق به اشتراک گذاشتن دیدگاه‌ها با یکدیگر می‌توانند آگاهی خود را افزایش دهند و درک خود را عمیق‌تر کنند و برای یافتن راهکارهای مناسب و حل مشکلات با یکدیگر همفکری کنند. بنابراین، این پیش‌نیازی است برای گفت‌وگو در یک رابطه افقی بین همه انسان‌ها، یعنی درک و پذیرش یکسان بودن و باور به برابری همه انسان‌ها در دریافت استعدادها و توانمندی‌هایی که خداوند به شکل گوناگون در اختیار همه انسان‌ها قرار داده است. ما آموزه‌های دینی در مورد مشورت کردن با دیگران و در عقل و خرد آنان سهیم و شریک شدن توصیه‌های بسیاری داریم؛ از آن گذشته در جامعه بشری هم جوامعی که ظرفیت‌ها و امکانات مناسب‌تری برای گفت‌وگو فراهم کرده‌اند مفهوم توسعه را در واقع به گونه‌ای اجرایی و عملی کردند یعنی از همه ظرفیت‌های انسانی در جامعه برای برخورد با مشکلات و مسائل عمومی جامعه بهره برده‌اند. بنابراین گفت‌وگو نیازمند مقدمات و پیشفرض‌هایی است که باید برای ایجاد و تقویت آن تلاش کرد تا این رفتار در جامعه شکل

برنامه‌های علمی و پژوهشی.

در هر حال این باور عمیق وجود دارد که دانشگاه‌ها نقش بسیار مهمی در رشد و پیشرفت هر جامعه دارند. نکته مهم‌تر این است باید افرادی که در نظام آموزش و پرورش، آموزش را دریافت می‌کنند بتوانند در جایگاه‌ها و موقعیت‌های مناسب هم قرار بگیرند تا کارآمدی دانشگاه‌ها زیر سؤال قرار نگیرد. تاریخ و فرهنگ را اساساً نمی‌توان از هم جدا کرد. در واقع مسأله فرهنگ و میراث فرهنگی با تاریخ رابطه مستقیم دارد. فرهنگ گفت‌وگو برخلاف برخی دوره‌های تاریخی در جامعه نه تنها در جوامع ما بلکه در جوامع شرق آسیا پدیده دیرپا و پایداری نبوده است و روابط انسانی و اجتماعی در این مناطق بخصوص در شرق و غرب با ساختاری عمودی بوده و اگر هم در در دوره‌هایی ادیان آسمانی مانند اسلام توصیه‌هایی درباره روابط برابر یا حتی در آیین‌های دیگر مطرح شده بیشتر در حد آرمان و تدریس‌های اخلاقی باقی‌مانده تا اینکه به الگوها و شیوه‌های رفتاری تبدیل شده باشد. باید بپذیریم فرهنگ جوامع با سنت گفت‌وگو بیگانه بوده. در پرتو تحولات جدید در جوامع پیشرفته و انتقال آثار آن بویژه از غرب به این کشورها موضوع برابری انسان‌ها و حقوق طبیعی آنها اشکال جدیدی از قانون‌گرایی مطرح شده و در نتیجه تحولاتی را به همراه داشته که به‌طور طبیعی با مقاومت‌های جدی همراه بوده و در این زمینه میراث تاریخی برخی از این جوامع به دوره‌های خاصی محدود می‌شود در نتیجه تاریخ ما با سنت گفت‌وگو بیگانه است؛ هرچند ریشه‌هایی در این زمینه وجود داشته و در برخی دوره‌ها دیده شده اما یک الگوی پایدار در طول این تاریخ نبوده و در این جوامع این روابط مبتنی بر روابط عمودی قدرت بوده که گفت‌وگو در آن جایی ندارد.

یک توصیه خیلی معروف از امیرالمؤمنین (ع) به مؤمنان و مسلمانان داریم: «کسی که با مردم

# گفت‌وگو مقدمات پیش فرض



مشورت می‌کند در واقع در خرد و عقل دیگران شریک می‌شود» کسی که با سنت گفت‌وگو آشنا نیست از مزایای در میان گذاشتن دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرهای خود با دیگران بهره‌مند نمی‌شود. امکان اشتراک تجربه‌ها و دیدگاه‌ها و در واقع طرز تلقی دیگران را به دست نمی‌آورد؛ در یک ظرفیت محدود برای رویارویی با مسائل گوناگون زندگی محدود باقی می‌ماند. نبود سنت گفت‌وگو و آشنا نبودن با این شیوه فرد را در حصار باورها و دیدگاه‌ها و اعتقادات او بدون آنکه امکان بارور ساختن و شکوفایی و تکامل بخشیدن به آن را داشته باشد محصور می‌کند. سنت گفت‌وگو برای همه جوامع بشری و همه گروه‌ها از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین آنها الگویی است که می‌تواند به کاهش منازعات و درک مسائل مختلف کمک کند. در غیاب سنت گفت‌وگو فرد قادر نخواهد بود از برداشت‌های دیگران درباره مسائل مختلف آگاه شود و خودش هم نمی‌تواند برداشت‌های متفاوت اش را در مسائل گوناگون منتقل کند. انسان یک موجود اجتماعی است و در غیاب سنت گفت‌وگو نمی‌تواند از این ظرفیت که در میان انسان‌های دیگر وجود دارد بهره‌مند شود و خسران و زبانی نصیب انسان می‌شود که غیر قابل جبران به نظر می‌رسد. ایجاد ارتباط کلامی با دیگران می‌تواند بسیاری از مسائل مشترک را در ابعاد مثبت و منفی حل و فصل و از مزایای آن، هم به شکل فردی هم به شکل جمعی استفاده کند. ■

**دانشگاه‌ها در ادامه  
فعالیت مدارس،  
برای اجتماعی  
کردن، مدنی  
ساختن و انتقال  
ارزش‌های مناسب  
و به‌روز شده نقش  
مهمی ایفا می‌کنند**

بگیرد و گسترش پیدا کند. به این ترتیب در جامعه‌ای که روابط عمودی بر آن حاکم است و بعضی از افراد حقوق بیشتر و نابرابرتر از دیگران دارند ایجاد چنین رفتاری دشوار می‌شود. در اصل دانشگاه‌ها برای شکل‌گیری هنجارها، ارزش‌ها و باورها در سطوح مختلف و در زمینه‌های متفاوت، نقش الگوسازی دارند. در واقع دانشگاه‌ها در ادامه فعالیت مدارس، برای اجتماعی کردن، مدنی ساختن و انتقال ارزش‌های مناسب و به روز شده نقش مهمی ایفا می‌کنند. در دانشگاه‌ها جوانان یک جامعه می‌توانند این رفتارها را تمرین کنند؛ در نهادهای صنفی و حتی در کلاس‌های آموزشی. دانشگاه فقط برای انتقال یک مجموعه داده و اطلاعات نیست بلکه برای انتقال هنجارها و استانداردها و ارزش‌های متعالی بشری و دستیابی به تجربه‌های موفق در جوامع انسانی و در یک کلمه افزایش تجربه‌های رشد و توسعه و پیشرفت در جوامع بشری با آموختن از تجربه‌های دیگران که به‌شکل تعلیم‌های نظری در عرصه‌های نظریه‌پردازی فراهم می‌کند می‌باشد. دانشگاه می‌تواند برای نهادینه شدن رفتارهای مبتنی بر احترام به حقوق دیگران و ترویج روش‌های مناسب برای رشد و توسعه جامعه بسیار نقش مؤثری داشته باشد؛ چه در فرایندهای آموزشی و پژوهشی و چه در فعالیت‌های فوق